

در مورد اصلاح و ایجاد نظم در

حوزه‌های علمیه



وظایف خطیر حوزه‌های علمیه

یکی از امور مهمی که مورد توجه بزرگان و علماء حوزه علمیه قم بوده است لکن عمل مثبتی در باره آن انجام نگرفته، ایجاد نظم و انضباط در حوزه‌ها است که لازم است از حوزه علمیه قم شروع شود و بطور جدی و اساسی عمل شود البته این امر برای حفظ حوزه‌ها از ورود عناصر منحرف از حیث عقائد و اخلاقی و اعمال از اهم وظایف شرعی است که بعهده همه خصوصاً فضلا و علماء و مدعیان امر باشد و با همکاری جندی همگان و تأیید مراجع معظم می‌تواند جامه عمل پوشد. در این زمان که حوزه‌های علمیه و روحانیون معظم در پیشبرد مقاصد اسلام و تسخیر جمهوری اسلامی نقش بسیار مؤثری دارند شک نیست که قدرتمندان و قدرت طلبان بیگار نشستند، بلکه در تلاشند تا این قدرت قتال را تضعیف کنند و این امر برای آنان میسر نیست مگر با رخنه کردن عناصر فاسد در حوزه‌ها که از داخل موجبات تهاش و از کار افتادن این پدیده الهی را فراهم آورده و خدای نخواستہ بتدریج و در دراز مدت ملت را از آنها مأیوس و روی گردان کنند و همه میدانیم که اگر خدای نخواستہ حوزه‌ها از عهده تربیت فقهاء و علماء و خطباء موافق و مورد علاقه مردم برنیایند و بطور هرج و مرج

و بدون برنامه صحیح و ضابطه اسلامی - عقلانی، حوزه‌ها اداره نشوند باید همه منتظر فاجعه شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ باشیم. و اگر اکنون با همت همگان از سر چشمه فساد جلوگیری نشود فردا و فرزندان دیر است و بسا باشد که بجائی رسد که از قدرت همه خارج شود. مقایسه امروز حوزه‌ها با قیبل از انقلاب که روحانیون از سیاست و نظر در امور کشور بواسطه تبلیغات و فشارها و کج فهمی‌ها منززل و برکنار بودند بسیار ناچهار و غلط است. گر چه ممکن است بعضی کج فهمی‌ها با این امر حیاتی مخالف باشند و با تز نظم در بی نظمی است با توهمات شیطنانی دست بگریبان باشند لکن اینان در اقلیت هستند و فشارهای عظیم روحانیون متفکر و متوجه بمسائل و پیش آمدها در این فکر هستند. و بالاخره همان طوری که پاکسازی و تصفیه در همه ارگانهای دولتی و کشوری و لشکری لازم است در حوزه‌ها و دانشگاهها که هنگام با حوزه‌ها هستند و هر دو از ویژگی خاصی برخوردارند تصفیه و پاکسازی مهمتر است و با تصفیه این دو پایگاه اسلامی و ملی سخترای جمهوری اسلامی به رشد و ترقی خود ادامه خواهد داد و با انحراف این دو انقلاب و جمهوری از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد.

بوده و هستند که از اول تاریخ اسلام تا کنون بر جوامع مسلمان بنام اسلام حکومت کرده و سبک ب: خط ظاهرنگری و قشری: از آغاز شکل گرفتن اسلام تا الآن این کرایش، و خط نیم وجود داشته است که اشخاص و گروههاست آیات قرآن و دستورات جامع و عمیق اسلامی را در قالبهای تنگ فکری خود محصور میگردانند و با ظاهر نگری و سطحی نگری خود جلوی بویایی اسلام را در تمامی زمینه‌ها و کلیه باها میگردانند و یک نمونه آن خوارج بودند که بگفته حضرت علی (ع) "ان الحكم الا لله" را بهانه برای نفی کلام الله ناطق و محکم عینی اسلام (ولایت و حکومت علی (ع)) قرار دادند. این طرز تفکر در دورانیهای مختلف جلوه‌های گوناگونی داشته است.

اسلام سه شیوه و خط وجود داشته است: الف: خط توحید و تاویل گزائی: از شروع تشکیل حکومت اسلامی در عهد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا کنون همواره اشخاص و گروههایی بخاطر سودجویی و استعمار و با قدرت طلبی و هوسرانی آیات قرآن و احکام اسلام را به نفع خود توجیه و تاویل میگرداند. نمونه اینان در زمان خودمان، غرب - کرایان و شرقکرایان با اصطلاح مسلمان نظیر بنی صدو سران مجاهدین خلق و می‌باشند که سعی داشتند پندارها و بافته‌های لیبرالستی و مارکستی خود را در قالب اسلام بریزند و به خورد نسل جوان بدهند. از مصادیق بارز دیگر این خط بنی امیه، بنی عباس و کلیه ملوک و شاهان و رؤسائی

- پیام امام در مورد اصلاح و نظم حوزه‌ها را میتوان از جوانب مختلف مورد بررسی قرار داد از جمله:
- ۱- نیاز جامعه کنونی ایران، مسلمانان و مستضعفین جهان نسبت به شناخت و تربیت اسلامی.
 - ۲- تصفیه و پاکسازی در حوزه‌ها و خطرات نفوذ گروههای منحرف و خطوط جاسوسی در حوزه‌ها.
 - ۳- گسترش حوزه‌های تعلیمی و تربیتی.

قبل از این که مسائل مزبور را، مورد بررسی قرار دهیم لازم است به عنوان مقدمه به شیوه‌ها و خطوط شناخت اسلام اشاره نماییم: از صدر اسلام تا کنون در مورد شناخت

این دو خط، انحراف از اسلام اصیل است که یکی براست و دیگری به چپ افتاده است. و بر مایش حضرت علی (ع) "الیمین والشمال مظلّه والطریق الوسطی هی الجاده".

امام امت قبل از شهادت فرزندش مرحوم حاج آقا مصطفی و اوج گیری نهضت اسلامی در سخنرانی زرقی به دو جلوه از این دو گرایش و خط اشاره کردند و فرمودند: در سابق عرفاً بیشتر جنبه‌های عبادی، معنوی و اخسروی اسلام را نگریستند و سعی بر این داشتند که جنبه‌های دنیوی و مادی اسلام را هم، بعدی معنوی و اخروی دهند و هم اکنون برخی دیگر می‌باشند که برعکس جنبه‌های عبادی و معنوی اسلام را نادیده می‌گیرند. تنها جنبه‌های مادی و دنیوی اسلام را می‌نگرند و حتی ایجاد معنوی اسلام را جنبه مادی می‌دهند.

ح - خط اسلام فقاقت و ولایت : خط اصیل اسلام همان خط شناخت صحیح اسلام و اجرای آن می‌باشد که پیامبر اکرم (ص) فرمود قرآن و عترت از هم جدا شدنی نیست و... آنگاه این خط توسط امامان معصوم از حضرت علی (ع) تا امام مهدی (عج) ادامه یافت و سرانجام به دست فقهای عادل (اسلام شناسان متعهد) سپرده شد و در انقلاب اسلامی، این خط به اسلام فقاقت و ولایت تعبیر می‌شود.

در این خط نه احکام اسلام تاویل و تفسیر به رأی می‌شود و نه کلیت و فراگیری آنها نسبت به همه زمانها و زمینه‌ها نادیده گرفته می‌شود. در این خط هم تبیین درست اسلام در نظر است و هم نیازهای اساسیها، جوامع و مقتضیات زمان. در این خط هم اجرای حدود الهی مطرح است و هم اختیارات والی برای تطبیق آنها مطرح می‌باشد.

از شروع نهضت اسلامی ایران در پاسخ زده خرداد سه خط مزبور در کنار هم تاکنون جریان داشته است.

- ۱ - خط رژیم شاه که اسلام را بیفهم شاهنشاهی و سلطه آمریکا توجیه میکرد.
- ۲ - خط ظاهرنگران و انزوا طلبان که در سارزه ملت سهمی نداشتند و احیاناً انرا

نخطه میکردند و می‌گفتند نباید کاری کرد که خونریزی شود طرفداران این خط همان کسانی هستند که بقول امام در دیدارشان با شورای نگهبان "هر کاری برفع مستضعفین انجام گیرد، می‌گویند کمونیستی است" آیا اینان که برای رفتن یک لایحه به مجلس داد و فعنان میکنند و به قول آقای هاشمی رفسنجانی همین حساسیت را نسبت به حقوق اکثریت محروم جامعه دارند؟ هواداران این خط همان اقلیتی هستند که امام فرمود طرفدار نظم در بسی نظمی" می‌باشند و توجه ندارند که فبای وضع کنونی حوزه‌ها به گذشته بسیار غلط است.

۳ - خط اصیل اسلام فقاقت و ولایت که همواره ملت را در سارزها س تا بیروزی هدایت کرده است و هم اکنون میخواهد اسلام را بنیاده کند و روشن است که برای اجرای حدود اسلامی باید صورتها را در نظر بگیرد و در مقام اجرا بطور موقت تصرفات محدودی را برای حفظ نظام اسلامی و استعزاز آن نائل شود.

خلاصه کلام اینکه سه جریان ففکری در مورد شناخت اسلام و اجرای آن، وجود دارد و هیچکدام با هم سازگار نیستند ولی خط اصیل فقاقت و ولایت و طرفداران آن باشد هر چه بیشتر در ارتداد و آقا، سازی طرفداران آید و خط بکشند و یک مشت عوامل نفوذی ففکرت طلبان استعمارگر و جاسوسی را که القا شبهه میکنند و جو سازی می‌نمایند و ذهن بعضی از علماء و مقدسین را بدین شیوارند باز کنند.

- اصل مطلب :
- اینکه به اصل مطلب می‌پردازیم :
- ۱ - نیازها - ما نزدیک ۸۰ هزار روستا و صدها شهر داریم، برای هر کدام از شهرها و روستاها قاضی شرع، امام جمعه، معلم دینی در دبستان و دبیرستان و دانشگاه، بررسی اخلاق و مبلغ اسلام در یادگانهها، ادارات، واحدهای سپاه و... نیاز داریم. ما برای اینکه تیل جوان را دریا بیم و خلا، فکسری ناشی از فقر فرهنگی دوران رژیم سابق را بر کنیم و آینده سازان را از افستادن در دام

گروههای منحرف شرفترا و ثریکرا نکه داریم باید صدها و هزاران مبلغ و مربی اسلام شناسی را برای شهر و روستا و در هر منطقه و بختی بسیج نمایم. حال نو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل در مورد کشورهای دیگر و صدور انقلاب اسلامی به جهان.

۲ - نصفه و پاکسازی : روشن است که برای رفع نیازهای مذکور، نخست باید حوزه‌ها را از عناصر منحرف و نفوذی پاکسازی کرد زیرا با محیطی از عامل فساد پاکسازی نشود، هر گونه اصلاحی امکان نابدیراست. البته ممکن است کسی با کسانی بگویند: حوزه‌ها نیاز به نصفه ندارد ولی اینان غافل هستند که روحانی نمایان خلق لباس شده و دارای برونده از رژیم سابق، قم را حرم امنی برای خود دانسته و سرگرم سیاسی و فتنه گری هستند. اینان بیاد ندارند که در اسناد لایحه جاسوسی برای نفوذ در حوزه قم چه طرح شده بود، اینان توجه نمی‌کنند که مثلاً سردمدار قاتلان مطهرینها - طلبه - منحرفی چون کودرزی است. اینان از تاریخ مشروطه و نهضت تنباکو خبر ندارند که انگلیس پس از ضربه خوردن از روحانیت (در نهضت تنباکو) و توجه پیدا کردن به نقش روحانیت، برای نفوذ در روحانیت تحف بفته‌ها کشید و با نفوذ پیدا کردن در مرکز شیخ و بروراندن جاسوسانی از لباس روحانیت و فرستادن آنها بعنوان حاسان و رهبران مشروطه، انقلاب مشروطه را به انحراف کشاند (مثل نفی زاده و سیدضا که هر دو ظلمه تحف بودند).

- ۳ - گسترش حوزه‌های تعلیمی : پس از پاکسازی، مهمترین راه برای رفع نیازهای ففکری جامعه و همه مسلمانان و مستضعفان دنیا گسترش حوزه‌های تعلیمی است. بعضی بایسد مدارس علمیه در کلیه شهرها بپوشد، مشهد اصفهان و... تحرک پیدا کند، مابحمدالله در شهرهایی مثل مشهد، اصفهان، سمرقند، بزد و... مدرسه علمیه داریم ولی ما نبود اسناد و بودجه چه میتوان کرد، بایداستادان

زده شد و اسبواریم آن هم انشاءالله نمازمان خیلی کوتاهی همراه بیفتند اینها نمایشگر اینست که، اگر بخواهیم برای کشورمان دلسوزانه عمل بکنیم خدا هم با قدرت و توان میدهد و میتوانیم کارهایی که بحسب ظاهر مدت زیادی احتیاج دارد در زمان کوتاهی خانمهای بدهیم.



شهید علی طاهری فرزند آیت الله

طاهری امام جمعه اصفهان

از اینکه فرزند عزیزتان در جبهه جنگ با کفار یعنی به شهادت رسیده است، احساس خودتان را در این حادثه و پیام خودتان را بعنوان پدر یک شهید و بعنوان یک رهبر روحانی به امت قهرمان اسلام بیان بفرمائید؟
 من از خدا میخواهم که خدا به من یک روحیهای بدهد که همه شهدها با "علی" در نظر من یکسان باشد. بنا بر این بگویم "علی" هم مثل سایر شهیدان به عشق خدا و به معشوق خودش پیوست. خدا برایش مبارک کند.
 من بعنوان پدر یک شهید گمان نمیکنم در این جریان سهمی داشته باشم. هر چه بود از خود او بود، و سهم آنجانی ندارم. علی به شهادت عشق میورزید و به معشوق خودش رسید. و من در این زمینه نقشی ندارم، چون وابسته بمن بود من از خداوند متعال میخواهم که این هدیه ناقابل را از من بپذیرد و او در قیامت شفیع ما باشد. در دنیا هم شهادت او به ما هم یک روحیه ای بدهد که از خداوند بخواهیم ما هم در

دنباله تحلیلی

و مدیرانی برای این مدارس تربیت شوند و اعزام گردند و این جز با گسترش دادن به دامنه مدارس برنامه‌ای درقم امکان پذیر نیست برخی فقط در این اندیشه اند که روحانیت موجود را چگونه اصلاح کنیم و به شهرها بفرستیم و هیچ نمی‌اندیشند که باید از استقبال نیروهای مستعد به حوزه‌ها بهره برد و با برنامه‌های حساب شده آنان را تربیت نمود و خلاصه کسودها را برگردد. این راه، هم دردسر و سختی چندانی ندارد و هم اصلاح از باثین است که قهرا با رشد نیروهای رزنده، نیروهای ناباب در جامعه منزوی و طرد میگردند.

حرکت روحانیون جوان و فضلا، بدنیاال پیام

امام

بدنیاال پیام امام، طلاب، روحانیون جوان و برخی از فضلا خدمت حضرت آیت الله منتظری رفتند و از ایشان خواستند که راهنمایی فرمایند. ایشان که اول انقلاب روی اصلاح و نظم حوزه تکیه داشتند و چندی پیش در پیامستان راجع به مشکلات حوزه اشاراتی داشتند، فرمودند: طلبهها نمایندگانشان خود را انتخاب کنند و پیش امام و مراجع بفرستند. تا اصلاح حوزه را بیگیری کنند.

این فرمایش قابل دقت و بررسی است: باید

دایکت اکثریت روحانیت (بویژه دانشجویان)

را طلاب جوان و روحانیون فاضل تشکیل میدهند. جالی باقی نماند چه کرد؟ اصلاح آن کجا باید شروع شود؟

همانطور که علی (ع) میفرماید: اصلاح

باید از عامه شروع شود. در اینجا از طلاب

آغاز گردد بدین صورت که مثلا هر شهری با

گروه آئی نمایندهای را انتخاب کنند و

نمایندگان شهرها هم در میان خود نمایندگان

برجسته و تاپستهای را برگزینند و آنان کار

رخنحواب به مرگ سیاه میبریم، و فیلساز

اینکه مرگ سیاه ما را بگیرد مرگ سرخ را

استقبال کنیم. و پناه میبریم به خدا که ما را از این فیض عظیم محروم نکند بخاطر عدم لیاقتمان. پایانی

نظم و اصلاح را بیگیری کنند. طبیعی است که چنین نمایندگانی مقبول طلاب و روحانیون جوان خواهند بود و بنا تأیید امام و مراجع (خواه به تنهایی و خواه با همکاری نمایندگان انتصابی امام و مراجع میتوانند هر هفته جلساتی برای طلاب منطقه خود داشته باشند و به مشکلات فکری و مادی آنان رسیدگی نمایند.

بهر حال این طلاب جوان و روحانیون فاضل هستند که در دوران انقلاب بیشترین نقشی را در رساندن پیام‌های امام به مردم شهرها و روستاها داشتند و پس از انقلاب هم مهمترین نقش را در جبهه‌های جنگ و پشت جبهه‌ها ایفا نموده‌اند و شهادتی ارزشمند و گننام را تقدیم اسلام کردند.

بنا بر این باید از نیروی عظیم و پرتحرک

انان بهره جست و برای آنها ارزش قائل بود

و در کارهای اجرایی سهم ساخت. شورای

مدیریت سابق از آنجا که بازوی اجرایی از

طلاب نداشت، نتوانست کاری کند. در مورد

هر شهری این روحانیون جوان هستند که

بهترین شناخت را نسبت به منطقه خود و

نیازهای آن دارند و بدون کمک آنان نمیتوان

هیچ کاری را پیش برد. جای بسی خوشوقتی

است که هم طلاب شهرها شروع به انتخاب

نمایندگان خود کرده‌اند و هم فضلا و

مدرسین در اندیشه تهیه طرح و اصلاح

حوزه‌ها. در اینجا لازم به یادآوریست که

نقش کلبه مدرسین و فضلا بسیار حساس است

و باید از یکطرف همواره با مراجع در تماس

باشند و دردها و رنجها و مشکلات و نیازهای

طلبه‌ها و نیروهای آینده را به محضرشان

برسانند و نگذارند بعضی از مغرضین جریان‌ات

را بصورت تحریف شده پیش مراجع منعکس

کنند و از طرف دیگر در جلسات طلبه‌های

شهرستانها شرکت کنند و از دردها و حرفهای آنان از نزدیک با خبر باشند و اجازه ندهند که در اثر عدم تماس با طلاب سو تفاهم‌هایی پیش آید و خدای ناگفته میان مدرسین و طلاب شکاف ایجاد شود.